



نواب صفوی در محله ما زندگی می کرد

مسعود کیمیایی: سیدمجتبی نواب صفوی در محله ما می نشست. توی محله که راه می رفت بچه ها به او سلام می کردند و دستش را می بوسیدند و او عادت داشت به هرکدام یک قران هدیه می داد. بلیت سینما آن موقع ۶ریال بود ما ۶ریال خودمان را به او می رساندیم و سلام می کردیم و دستش را می بوسیدیم تا ۶ریال را بگیریم. امهر

تئاتر



تئاتر؛ هر روز کوچک تر از دیروز

واکنش هنرمندان به حذف اداره کل هنرهای نمایشی چه بود؟

مدتی است «اداره کل هنرهای نمایشی» به «دفتر هنرهای نمایشی» تبدیل شده و این کوچک تر شدن بدنه سازمانی تئاتر واکنش هایی به دنبال داشته است. سال های اول دهه ۶۰ زمانی که در وزارت ارشاد معاونت های هنری دسته بندی می شد هنرهای نمایشی، موسیقی و تجسمی در یک معاونت به اسم معاونت هنری تعریف شد و سینما از همان زمان معاونت ویژه خودش را به اسم معاونت سینمایی به دست آورد. در طول سال ها، نمایش معاونت مستقل پیدا نکرد، اما تبدیل به مرکز هنرهای نمایشی شد که اگر چه معاونت نبود به هر حال مختص نمایش بود و ساختار اداری خاص خودش را داشت. در این مدت تأسیس یک سازمان تئاتر مثل سازمان سینمایی که بودجه مستقل داشته باشد خواسته نمایشگران بود که البته به جایی نرسید. در عوض مرکز هنرهای نمایشی کوچک تر شد و با نام اداره کل هنرهای نمایشی کارش را ادامه داد.

این کوچک تر شدن در همین حد متوقف نشد و از چندروز گذشته اداره کل هنرهای نمایشی هم تبدیل به دفتر هنرهای نمایشی شده است که قطعا در دریافت بودجه و اعتبار تئاتر تأثیر منفی خواهد گذاشت. این تغییر، یکباره و بی خبر رخ داد و حتی مدیر کل هنرهای نمایشی هم اعلام کرده که مثل بقیه و در همان زمان از این اتفاق خبر دار شده است. رضا مردانی که از تیرماه به عنوان مدیر کل هنر های نمایشی منصوب شده، گفته: «این موضوع از طریق رسانه ها و سامانه وزارتخانه اطلاع رسانی شده و حتی در دستور کار مدیریتی نیز قرار نداشت. این تغییر یک کنترل در جایگاه تئاتر است و در گذشته نیز تبدیل «مرکز هنرهای نمایشی» به «اداره کل» به نوعی کاهش رتبه تلقی می شد. حالا نیز تغییر اداره کل به دفتر تنها جایگاه سازمانی تئاتر را تضعیف، بلکه پیام نگران کننده ای به جامعه هنری مخابره کرده است. در برخی سال ها حتی بحث از تقای این مجموعه به سطح «سازمان هنر های نمایشی» مطرح بود، اما اکنون شاهد حرکتی معکوس هستیم.

وظایف اداره کل هنرهای نمایشی صرفا محدود به یک «دفتر تخصصی» نیست و حجم بسیار زیادی از امور اجرایی تئاتر کشور، گروه ها و تالارهای نمایشی را شامل می شود، بنابراین براساس شرح وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این اداره کل مسئولیت گسترده تری نسبت به یک دفتر تخصصی به عهده دارد و نیازمند نهادی قدرتمند برای هدایت، آموزش و نظارت بر کم و کیف فعالیت ها در جامعه هدف است؛ شرایطی که با توجه موجب از تقای ذوق هنری و پرورش افکار پالوده شود. به همین منظور چنین مجموعه ای ساختار مدیریتی با اختیارات بیشتر در چارت سازمانی اداری را می طلبد. اداره کل هنرهای نمایشی به طور رسمی نارضایتی خود را از این تصمیم طی نامه ای به وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام کرده است و این موضوع از مسیرهای اداری پیگیری خواهد شد.»

بی واکنش بودن نمایشگران

این تصمیم در کمال تعجب در میان هنرمندان تئاتر واکنشی نداشته است. در چند روزی که از اعلام این خبر می گذرد، رضا دادویی شاید تنها کارگردانی است



که به این تغییر ناخوشایند واکنش نشان داده است. او پیش تر در شورای نظارت و ارزشیابی حضور داشته و ینماش هایی مثل «به مناسبت ورود اشکان» را کارگردانی کرده و سریال «آیان» هم ساخته او است.

دادویی در نامه ای سرگشاده به وزیر ارشاد نوشته: «متأسفانه جامعه هنری کشور سال ها است که دیگر امیدی به گشایش در نگاه، تغییر در رویکردها و اخذ تصمیمات عادلانه در برنامه های وزارت فرهنگ ندارد و گویی در بر همان پاشنه می چرخد که جامعه راه خود را می رود و وزارتخانه فوق مسیر خود را و حاضر نیست هیچ تغییری حتی حداقلی مناسب با جامعه پیرامون خود ایجاد کند.

با وجود این، تصور و توقع جامعه هنری کشور آن بود که انتخاب جنبه ایی شاید بتواند با نگاهی روشن تر و رویکردی عادلانه تر، اگر وضعیت کار و معیشت هنرمندان را قدمی به جلو نمی برد، دست کم با تسهیل فرآیند اخذ مجوزها و حذف سیاست های انقباضی و کم رنگ کردن حضور نهادهای نامرتبط در این عرصه وضعیت بد موجود را بدتر از پیش نکند.

شوربخانه تصمیمات جنبه ایی و معاونت های زیرمجموعه نشان می دهد که هیچ چشم انداز روشنی پیش روی هنرمندان نیست، بی توجهی تمام عیار به هنر تئاتر که مقوم فرهنگی برای رشد و تعالی جامعه است و مشکلات هنرمندان این عرصه، قطع تمامی حمایت های مادی و معنوی از خانه تئاتر به عنوان صنف رسمی خانواده تئاتر، امیدها را کمرنگ تر از قبل کرد.

بخش جالب ماجرا آن است که معاونت محترم توسعه مدیریت و منابع جنبه ایی بی توجه به خواست و نیاز اهالی تئاتر که نسبت به تغییر وضعیت «مرکز هنر های نمایشی» به «اداره کل» معترض و خواستار تشکیل «سازمان تئاتر» بودند، در اقدامی ناگهانی، بی خبر، غیر کارشناسی و حتی بدون مشورت با مدیران زیرمجموعه خود نه تنها توجیه به خواست اهالی تئاتر نداشتند، بلکه در اقدامی لجبازانه این «اداره کل» را هم به «دفتر» تقلیل دادند. جالب تر از همه آن که خروجی عملکرد، گفته ها و نقل قول ها حاکی از آن است که وزارتخانه متبوع هیچ اعتقادی به خانه های تئاتر، موسیقی، سینما و... به عنوان اصناف رسمی کشور ندارد و آنها را صرفا مؤسساتی فرهنگی، هنری و فاقد اعتبار صنفی می داند.»



سینما را به عنوان یک بازی قدرت رسان به رسمیت بشناسیم

سیدمحمد حسینی، مدیر گروه فیلم و سریال روایت فتح: باید سینما را در جریان دولتی به عنوان یک بازی قدرت رسان به رسمیت بشناسیم تا از این طریق سینما بتواند دقیق تر به مسائل کشور بپردازد و حرف هایی بزند که تو باشد اما ما از این رویکرد محروم هستیم. ر ایلنا



عکس: همشهری/حاجلند خورشیدی

«نمکی» را در خیابان پیدا کردم

گفت و گو با مهدی فخیمزاده در برنامه «درجه یک»

گفت و گو

مهدی فخیمزاده ۸۳سال دارد؛ بازیگر و کارگردانی که در این سال ها همچنان فعال است. از سال ۶۹ وارد تئاتر شد و فعالیت سینمایی را با بازی در ۲ فیلم رضا میر لوحی («تیلی» و «خانواده سرکار غضنفری») در سال ۵۱ شروع کرد. پیش از ۴۰ فیلم سینمایی کارگردانی و بازی کرده، خاطراتش از کارهای سینمایی اش شیدینی است و در این گفت و گو به

برخی از آنها اشاره شده. آخرین کار مهدی فخیمزاده در سینما به سال ۹۷ برمی گردد. او «مشق آخر» را مانند اکثر کارهایش هم کارگردانی و هم بازی کرده است. فخیمزاده از آن دست هنرمندانی است که در بیشتر کارهایش بازی کرده و خودش اغلب سناریوی فیلم هایش را نوشته. فخیمزاده در تلویزیون سریال های ماندگاری را کارگردانی و بازی کرده. «تنها ترین سردار»، «ولایت عشق»، «خواب و

زمانی که پلیس زن را به تلویزیون آورد، هنوز هیچ فیلم سینمایی و تلویزیونی پلیس زن را به تصویر نکشیده بود. سر «خواب و بیدار» با فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران صحبتی داشتیم و ایشان گفتند که ما دانشکده پلیس زن داریم و در مشهد هم پاسگاه پلیس زن وجود دارد. او گفت تو اگر می توانی این کار را انجام بده. من نخستین بار این کار را در «خواب و بیدار» انجام دادم. کسی هم چیزی نگفت، چرا که ما زن بزهکار و زندان زنان هم داشتیم، بنابراین وجود پلیس زن هم ضروری بود. خودتان بیشتر دوست دارید در چه ژانری فیلم بسازید؟

من از همان ابتدا به فیلم های پلیسی علاقه مند بودم. الان هم اگر بشود باز دوست دارم سراغ فیلم های پلیسی بروم. اما همه کارها دست خودمان نیست. در دوره ای به من پیشنهاد کار تاریخی شد. آن زمان محمدمهدی حیدریان به من پیشنهاد رفته بود و به من پیشنهاد کار تاریخی داده شد. «خواب و بیدار» هم به پیشنهاد آقای قالیباف ساخته شد. اول فکر کردم که قرار است فیلم تبلیغاتی بسازم؛ اما قالیباف به من گفت که می خواهم تصویری از پلیس مدرن داشته باشیم. او گفت: همه فکر می کنند پلیس همان آژان قدیمی ۵۰ سال قبل است، اما ما می خواهم پلیس مدرن در جامعه صنعتی امروز را به تصویر بکشیم و در نهایت این کار ساخته شد. از آشنایی تا ن با ابراهیم گلستان بگوئید و اینکه چطور



شد در اسرار گنج دره جنی بازی کردید؟ روز زکریا هاشمی به من گفت که ابراهیم گلستان فیلمی می سازد و یک نقشی دارد، بیا آن را بازی کن. تا آن موقع ابراهیم گلستان را ندیده بودم، فقط می شناختم. به زکریا هاشمی گفتم همان گلستان معروف؟ گفت بله. فیلمبرداری در جاده قسم و در یک قهوه خانه بود. آنجا رفتم. شروع به بازی کردم که گلستان با لحنی پر خاشی و تحقیرآمیز چندین بار گفت، آقا تئاتری بازی نکن. به گلستان گفتم یعنی چه تئاتری بازی نکن؟ اما او توضیحی نمی داد و حرفش را مدام تکرار می کرد. ناراحت شدم و در نهایت گفتم من اشتباه ادمه؛ ما به پشت صحنه رفتم و داشتم لباسم را عوض می کردم که دیدم زکریا هاشمی آمد. گفت گلستان نیست، بیا خودم پشت دوربین هستم. بار دیگر به صحنه فیلمبرداری برگشتم و هر دو روز کار را خود هاشمی تصویربرداری کرد، در حالی که گلستان کنار جاده قدم می زد. این فیلم اول توقیف و بعدها اکران شد. همان موقع هم مصاحبه کردم و در مصاحبه ام گفتم که آقای گلستان آن گلستانی که همیشه در ذهنم بود، نبود.

چطور شد «مسافران مهتاب» را در سال ۶۶ ساختید و علاوه بر نویسندگی، کارگردانی و تهیه کنندگی، خودتان بازی هم کردید؟

اوایل انقلاب دفتر کارم با پاسداران بود. آن زمان طرح ترافیک گذاشته بودند و من به خاطر انجام کارهای اداری مجبور بودم با موتور تردد کنم. یک روز وقتی از پاسداران رد می شدم دیدم که عده ای جمع شده اند و شلوغ شده است. جلو رفتم؛ چند نفر داشتند یک کم توان ذهنی را اذیت می کردند. وقتی جلو رسیدم چون من را می شناختند کنار

هادی اسلامی؛ دانشجوی دانشکده هنرهای دراماتیک نبود و من بودم. همان زمان دوست داشتم با هم نمایشنامه «اشباح» را کار کنیم. من کارگردان بودم و او بازیگر نمایش بود. با هادی اسلامی چند کار مشترک انجام دادیم. همیشه از بازی و تیپ هادی خوشم می آمد.

داود میرباقری؛ کارگردانی است که می داند چه می خواهد و چه نمی خواهد. از داود خیلی خوشم می آید و هیچ وقت نتوانسته ام دوستی را از کار سینما جدا کنم. از همان ابتدا کار تاریخی می کردیم. بسیار قبولش دارم.

نظر فخیمزاده درباره میرباقری، نونهالی و مرحوم اسلامی

رویا نونهالی؛ بازیگر بسیار باهوشی است و من خیلی او را دوست دارم. هنرپیشه بسیار قهرایی است. انگار خودش هم از شخصیت ناآشنا خلاصی ندارد و همه مدت ها او را به همین نام می شناختند.

مریلا زارعی رسیدید؟ آیا انتخاب اول شما بود؟ این زمان مریلا زارعی مجری بود و بازیگر شناخته شده ای نبود. ابتدا چند بازیگر خانم را انتخاب کردیم؛ اما هیچ کدام سوار اسب نمی شدند، یا می ترسیدند. اما وقتی مریلا زارعی آمد، شروع به سواری کرد و با گروه همراه شد. قبل از ساخت «ولایت عشق»، «تنها ترین سردار» را ساختیم.

زمانی که تنها ترین سردار را می ساختم، هنوز سریال امام علی (ع) شروع نشده بود. من از طریق غلامرضا موسوی که تهیه کننده این کار بود، برای کارگردانی معرفی شدم.



صفحه ۴۱ | بهروز قلی پور

زمان «ولایت عشق» مریلا زارعی مجری بود و بازیگر شناخته شده ای نبود. ابتدا چند بازیگر خانم را انتخاب کردیم؛ اما هیچ کدام سوار اسب نمی شدند، یا می ترسیدند. اما وقتی مریلا زارعی آمد، شروع به سواری کرد و با گروه همراه شد.

نگاه



حرفه ای مثل فخیمزاده

از معدود بازیگران و کارگردان های دهه ۵۰ که در سال های پس از انقلاب توانست به فعالیت هنری اش ادامه دهد و به لحاظ تداوم حرفه ای، نمونه ای مثال زدنی باشد. مهدی فخیمزاده، دانش آموخته دانشکده هنرهای دراماتیک است که کارش را به عنوان بازیگر نقش های مکمل در سینمای فارسی آغاز کرد و خیلی زود سناریو نوشت و روی صندلی کارگردانی نشست. وقتی انقلاب پیروز شد، فخیمزاده به عنوان یک سرگرمی ساز همچنان به فعالیت پرداخت و تعدادی از محبوب ترین فیلم هایش را در دهه ۶۰ ساخت؛ دهه ای که برای فخیمزاده یکسره به اختلاف سلیقه با مدیران سینمای وقت گذشت؛ دهه گل کردن فیلم «مسافران مهتاب» در پخش تلویزیونی اش و پرفروش شدن «خواستگاری» و روی آنتن رفتن مداوم «تشریفات» در ایام دهه فجر. مهدی فخیمزاده در ابتدای دهه ۷۰ در اوج خستگی قرار داشت و در این دوران بود که کمدی خوش ساخت «همسر» را کارگردانی کرد. فخیمزاده به شکلی ناخواسته به تلویزیون رفت و سریال «تنها ترین سردار» را کارگردانی کرد و پس از آن خانه اش بیشتر تلویزیون شد تا سینما. اگر سریال «تنها ترین سردار» کیفیت جالب توجهی نداشت، دلپیش ورود ناگهانی به پیرویه و کم تجربگی فخیمزاده در کارهای تارخیی بود.

از دل این تجربه ناکام، سریال موفق «ولایت عشق» بیرون آمد و پس از آن «خواب و بیدار» نقطه عطف کارنامه تلویزیونی فخیمزاده را رقم زد؛ بازیگر و کارگردانی که در یک دهه اخیر بیشتر با نقش آفرینی اش در سریال «مختار» در یادها مانده است.

هالیوود

جوئل کوئن

فیلم تازه اش را کلید زد

درحالی که ساخت فیلم ترسناک مشترک برادران کوئن منفی نشده، هریک از آنها کار خود را به تنهایی هم ادامه می دهند و جوئل فیلمبرداری «جک پیک» را در اسکاتلند آغاز کرده است.

به گزارش مهر به نقل از ورلدا فریل، فیلمبرداری فیلم «جک پیک» جوئل کوئن با بسازی جاش اوکانر که قرار بود تابستان امسال در اسکاتلند انجام شود، شروع شده است. این در حالی است که اواخر سال پیش خبر رسید که این ۲ برادر ه خواهند دوباره با هم کار کنند. حالا این تأیید کرده که او و جوئل یک فیلمنامه برای ساخت یک پروژه ترسناک نوشته اند و امیدوارند ساخت این فیلم را شروع کنند، حتی اگر مدتی طول بکشد.

وی در مصاحبه ای جدید، اطلاعات جدیدی درباره همکاری مجدد احتمالی با جوئل داده و گفته است: یک سال و نیم پیش یک فیلمنامه مشترک نوشتیم که یک فیلم ترسناک است که امیدوارم ساخته شود. فقط هنوز روشن نیست به چه ترتیبی قرار است آن را بسازیم.

این ۲ برادر ۴۰سال است که فیلم می سازند؛ اما از زمان «تصفیه باستر اسکراگز» (۲۰۱۸) دیگر فیلم مشترکی نداشتند. از آن زمان، جوئل به تنهایی با «تراژدی مکبث» (۲۰۲۱) به کار خود ادامه داده است. درحالی که اینتن با همسر و تدوینگر قدیمی اش تریشا کوک مشغول کار بوده است. این زوج در حال حاضر در میانه راهی هستند که اینتن آن را سه گانه فیلم های درجه ۲ توصیف می کند که پس از «عروسک های فراری» و «عزیزم، نکن!» سومین فیلم با عنوان موقت «برو، سگ های آبی» در راه است. مجموعه آثار کوئن ها، جایگاه آنها را در بین تحسین شده ترین فیلم سازان آمریکایی تثبیت کرده و آثار کلاسیکی مانند «فارگو»، «جایی برای پرمردها نیست»، «لیوفسکی بزرگ»، «بار تون فینک» و «تقاطع میلر» اعتبار آنها را سبب شده است.

در نظرسنجی اخیر نیویورک تایمز برای انتخاب بزرگ ترین فیلم های قرن بیستم ویکم، عنوان از فیلم های کوئن ها در فهرست ۱۰۰ ا فیلم برتر جای گرفته بودند که شامل «جایی برای پرمردها نیست»، «درون لوین دیویس»، «ای برنده جایزه اسکار و «یک مرد جدی» می شود. اینتن البته درباره نظرسنجی نیویورک تایمز با به سرخوردن گفت: مشکل ۱۵ فیلم دیگر چه بود؟

